

## خط‌زد

## هشدارهای پلیس به دانش آموزان

- احترام به قانون، احساس امنیت اجتماعی را افزایش می‌دهد.
- مراقب افراد ناشناسی باشید که به شما نزدیک می‌شوند.
- با مطالعه، ورزش و تفریحات سالم برای اوقات فراغت خودتان برنامه‌ریزی کنید.
- اعتقادات و پایبندی مذهبی خودتان را تقویت کنید.
- پیشرفت شما در زندگی بستگی به رفتار خردمندانه و نظم و انضباط تان دارد.
- از رفت و آمد به مکان‌های آلوده و دوستی با افراد مشکوک‌پرهیز کنید.
- از تردد در معابر خلوت و پرخطر به تنهایی جدا خودداری کنید.
- لباس و پوشش نامناسب او لین گام در زمینه انحراقات اخلاقی است.
- به تقاضای نامعقول دیگران به طور صریح پاسخ منفی بدهید.
- در دوست‌یابی و معاشرت با افراد نهایت دقت را داشته باشید.
- با عمل به هشدارهای پلیس خطرات متوجه خود را از بین ببرید.
- موارد مشکوک در اطراف مدارس یا مسیر تردد خود را از طریق ۱۱۰ به پلیس اطلاع دهید.

### سرهنگ بوستان

### رئیس پلیس پیشگیری خراسان رضوی

### ازمیان خبرها

## پدری روز عروسی دخترش خانه را منفجر کرد!

روز عروسی دختری در آمریکا، همزمان با فاجع‌ای شد که پدرش آفرید. این مر می‌ان سال که قصد خودکشی داشت خانه‌اش را که در نزدیکی محل عروسی بود منفجر کرد. به گزارش سلام‌نو، این حادثه، روز شنبه در منطقه ایجوود ایالت پنسیلوانیای آمریکا رخ داد. گفته می‌شود در لحظه انفجار تعدادی از مهمانان این جشن که بیشتر آن‌ها از اقوام عروس بودند، در نزدیکی ساختمان محل انفجار حضور داشتند. بنا به گفته رابر ت پاین، رئیس پلیس منطقه این مرد با قطع جریان ورودی گاز در زیرمین اقدام می‌دهد. یکی از شاهدان عینی در شرح ماجرا گفت: «مانند نشت گاز یا انفجار یک بمب بود. قربانی به داخل خانه رفت و ۵ دقیقه بعد تمام خانه غرق شعله‌های آتش شد.» گفتنی است هنوز انگیزه اصلی این مرد مشخص نشده و پلیس بررسی خود در باره علت این حادثه را شروع کرده است.

### سجادپور – جسدپارهنه جوان ۲۷ساله ای

در حاشیه جاده برزش آباد مشهد در حالی کشف شد که بررسی های پلیس برای شناسایی هویت جسد و دستگیری عامل یا عاملان رها کردن پیکری بی جان این جوان در حاشیه جاده ادامه دارد. به گزارش خراسان، روز گذشته رهگذران و رانندگان خودروهای عبوری با دیدن جسد

**سجادپور** – مرد جوانی که پس از قتل هولناک دوستش با میل های باستانی در مشهد به فریمان گریخته بود تا با صحنه سازی برای مسافرت، ارتکاب جنایت را به گردن طلبکاران احتمالی مقتول بیندازد، صبح روز گذشته در اولین بازپرسی انگیزه جنایت را به ادعای ارتباط کثیف گره زد!

به گزارش خراسان، عصر روز یک شنبه گذشته، کارآگاهان پلیس آگاهی فریمان، زوج جوان آریزو سواری را در این شهر دستگیر کردند که احتمال می‌دادند خودرو و پول و سکه های داخل آن سرقتی باشد اما در بازجویی های مقدماتی و با کشف چندین سلاح شکاری و بادی و تعداد زیادی ساعت، مشخص شد که این زوج جنایت هولناکی را در مشهد مرتکب شده اندو برای فرار از مجازات به فریمان گریخته و در منزل خواهر زن جوان پنهان شده اند! کارآگاهان که با شگردهای تخصصی این زوج را به افشای جنایت وادار کرده بودند، بلافاصله ماجرا را به کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی مرکز خراسان رضوی اطلاع دادندو این گونه بود که قاضی علی اکبر احمدی نژاد به همراه گروه زبده ای از کارآگاهان عازم بولوار توس (محل جنایت) شد و به تحقیق در این باره پرداخت. وجود جسدی خون‌آلود در پذیرایی منزل، در حالی درستی اظهارات زوج مذکور را اثبات می‌کرد که متهم ۳۴ ساله سعی داشت انگیزه قتل دوستش را پنهان کند. این گزارش حاکی است، با کشف میل های خون‌آلود باستانی زورخانه در کنار جسد مشخص شد که مرد ۴۱ ساله با ضربات میل های باستانی به قتل رسیده است اما متهم به قتل برای فرار از مجازات، به صحنه سازی پرداخته و با نصب دست نوشته ای روی دیوار منزل که گل‌هارا آب‌ده! دو شاخه برق تلویزیون را از پریز بیرون بکش یا در یخچال باز نماند! سعی در گمراه کردن پلیس داشت تا چنین وانمود کند که او برای رفتن به مسافرت، منزل را به دو ستش (مقتول) سپرده است و احتمالاً طلبکارانش

# ماجرای جسد ریش پروفسوری!

جوانی در حاشیه جاده روستایی برزش آباد، ماجرا را به پلیس ۱۱۰ گزارش دادند. در پی دریافت این خبر، عوامل انتظامی با حضور در محل مذکور به حفظ صحنه حادثه پرداختند و مراتب را به قاضی ویژه قتل عمد مشهد اطلاع دادند. دقایقی بعد قاضی احمدی نژاد به همراه عوامل بررسی صحنه جرم عازم محل کشف جسد شد و بدین

اورا کشته‌اند!

بنابر گزارش خراسان، در حالی که این پرونده جنایی زوایای پنهان زیادی داشت، روز گذشته رسول (متهم به قتل ۳۴ ساله) پس از انتقال به مشهد، مقابل میز عدالت ایستاد و به سوالات تخصصی قاضی احمدی نژاد پاسخ داد. او که دیگر همه راه های داستان سربایی را بسته می‌دید، این بار حقیقت قتل هولناک دوستش را فاش کرد و از این جنایت را به یک ارتباط کثیف گره زد!

این مرد که هنوز ازدواجش به طور رسمی ثبت نشده و یک کودک ۹ ساله دارد، در تشریح جنایت وحشتناک خود به قاضی ویژه قتل عمد گفت: همسر مرا طلاق داده بودم، سال ها قبل در فریمان کبابی داشتم و «زینب» (متهم دیگر پرونده) در کبابی من کار می‌کرد. آن جا بود که با هم ازدواج کردیم چرا که او نیز مطلقه بود ولی ازدواج مان را به طور رسمی در محضر ثبت نکردیم. وقتی بنا به شرایطی محل سکونت مان را به مشهد انتقال دادیم با



«محمد» آشنا شدم و

این آشنایی به رفت و آمدهای خانوادگی انجامید تا جایی که او به راحتی به منزل رفت و آمد داشت. مدتی بعد وضع مالی دوستم به طور ناگهانی تغییر کرد. او خودروهای گران قیمت سوار می‌شد و چند واحد ساختمانی خریده بود اما این ارتباط قطع نشد و ما با هم پای بساط مواد مخدر می‌نشستیم و من به او اعتماد کامل داشتم در حالی که

مناسب نبود! این متهم در ادامه ادعاهایش افزود: از مدتی قبل متوجه تغییر رفتارهای همسرم شدم. او نسبت به دوستم رفتاری خاص داشت که این موضوع سوء ظن مرا برانگیخت. گاهی آن‌ها را تنها می‌گذاشتم و پشت در به حرف هایشان گوش می‌دادم. حتی یک بار در خانه ام شگفت گذاشتم چرا که احساس یک ارتباط کثیف! همواره مرا آزار می‌داد. از سوی دیگر نیز «محمد» دوست من بود و نمی‌خواستم این سوء ظن‌ها موجب قطع ارتباط دوستانه ما شود تا این که شب شنبه گذشته او دوباره به منزل ما آمد و کنار

### پرونده پزشک تبریزی به دیوان عالی کشور می‌رود

دم همسر موکلم، حکم قصاص و نسبت به درخواست دیه از سوی اولیای دم مادر بزرگ موکلم، حکم به پرداخت دیه داده است. ۱۷ مهر ماه سال ۹۵، پنج عضو خانواده یک پزشک تبریزی از جمله همسر، مادر، پدر، برادر و مادر بزرگش دچار تنگی نفس شدند و همسر و مادر بزرگ این پزشک، پس از انتقال به بیمارستان جان خود را از دست دادند که همزمان با مرگ دو تن از اعضای خانواده این پزشک و مسمومیت دیگر اعضای خانواده، تحقیقات ویژه جنایی برای رمزگشایی از این

برای تعیین علت دقیق مرگ به پزشکی قانونی انتقال یافت. به گزارش خراسان، بررسی‌های مقدماتی حاکی از آن بود که این جوان در مکان دیگری جان باخته و سپس فرد یا افرادی جسد را به گونه ای در حاشیه جاده انداخته‌اند که مورد توجه رهگذران قرار گیرد. تحقیقات بیشتر برای شناسایی هویت این جوان که آثار تزییق در مانگاهی یا تزییق با سرنگ روی اندامش نمایان بود، از سوی کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی همچنان ادامه دارد.

بساط مواد مخدر روی تشک نشست و بالش را زیر دستش گذاشت (تشک و بالش خون آلود در محل جنایت کشف شد) تا با هم مواد مصرف کنیم. در همین هنگام بود که افکارا به هم ریخت، تردید داشتم ولی بالاخره موضوع «ارتباط کثیف» را بر زبان جاری ساختم. «محمد با شنیدن این حرف ناراحت شد و خطاب به من گفت. «زن زن!» من هم که دیگر عصبانی شده بودم نفهمیدم چه می‌کنم، با میل های باستانی ضرباتی را به سرش زدم و بعد هم نقشه فرار را طراحی کردم که در فریمان دستگیر شدیم.

گزارش خراسان حاکی است زن ۳۳ ساله متهم به قتل نیز در بازجویی‌ها گفت: محمد (مقتول) به خانه ما رفت و آمد داشت و من هم با او رفتاری دوستانه داشتم! او عشق به ساعت داشت و به همین دلیل هر روز یک نوع ساعت به دستش می‌بست در واقع کلکسیونی از ساعت های متفاوت و مختلف را جمع آوری کرده بود که ۱۷ عدد از آن ساعت‌ها داخل خودروی آریزوی او بود! این زن دربارهِ سلاح‌های کشف شده از داخل خودرو هم گفت: «محمد» ادعا می‌کرد که عضو هیئت تیراندازی است و به همین دلیل چند قبضه سلاح بادی و شکاری همیشه همراهش بود. او وضعیت مالی خوبی داشت و خودروی گران قیمت آریزو نیز متعلق به محمد بود که شب حادثه سوار بر آن به منزل ما آمد. آن شب من و فرزندم حدود نیمه شب به داخل اتاق رفتم که تقریباً ساعت ۳ بامداد با سروصدا می‌شوهرم بیدار شدم و دیدم که رسول او را با میل‌های زورخانه کشته‌است. سپس با هم به فریمان گریختم، قرار بود شوهرم ما را در خانه خواهرم بگذارد و خودش برای انتقال جسد به یک مکان نامعلوم به مشهد باز گردد که آن‌جا دستگیر شدیم…

این گزارش حاکی است: با دستور قاضی احمدی نژاد متهمان این پرونده برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی قرار گرفتند.

پرونده جنجالی آغاز و پس از مدتی با بازداشت این پزشک، پرونده وارد فاز جدیدی شد و در نهایت کیفرخواست این پرونده فروردین سال ۹۶ صادر و پرونده به دادگاه ارسال شد.

<span><span></span></span>		<span><span></span></span>
<b>اجرائیه</b>		
<div><div><span></span></div><div>مشخصات محکوم له: حجت‌اله نظری /فرزند: حسین نشانی /شهر ری جاده قدیم قم ۳ راه ترانسفور شهرک فرهنگیان بلوک ۲۶ واحد ۳ مشخصات محکوم علیه: مهدی رحمانی اقبیلای فرزند: عباس مجهول المکان محکوم به: بموجب دادنامه شماره ۳۲۴ – ۹۸ مورخ ۹۸/۳/۲۵ شورای حل اختلاف ۹۸/۴/۱۰ حوزه نهم شعبه ۵ سابق. محکوم علیه محکوم است به پرداخت مبلغ سی و چهار میلیون و دویست هزار ریال بابت اصل خوسته و مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال بابت هزینه کارشناسی و دویست و چهل هزار ریال هزینه دادرسی در حق محکوم له و نیم عشر دولتی.</div><div></div><div>محکوم علیه مکلف است از تاریخ ابلاغ اجرائیه: ۱ – پس از ابلاغ اجرائیه ظرف ده روز مفاد آنرا بموقع اجرا بگذارد. ۲ – ترتیبی برای پرداخت محکوم به بدهد. ۳ – مالی معرفی کند که اجرا حکم و استیفا محکوم به از آن میسر باشد و در صورتیکه خود را قادر به اجرای مفاد اجرائیه نداند باید ظرف مهلت ده روز صورت جمع دارائی خود را به قسمت اجرا تسلیم کند. اگر مالی ندارد صریحاً اعلام نماید هرگاه ظرف سه سال بعد از انقضاء مهلت مذکور معلوم شود که قادر به اجرای حکم و پرداخت محکوم به بوده اید. لیکن برای بری قرار در پرداخت اموال خود را معرفی نکند یا صورت خلاف واقع از دارائی خود بدهد بنحوی که اجرای تمام یا قسمتی از مفاد اجرائیه متعسر باشد به مجازات حبس از ۶۱ روز تا ۶۱ ماه محکوم خواهید شد. ۴ – علاوه برموارد بالا که قسمتی از ماده ۲۴ قانون اجرای احکام مدنی میبایند به مواردی از قانون اجرای احکام و قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۷۹/۱/۲۱ و همچنین مفاد قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۰ آبان ۱۳۷۷ که ظهر برگ اجرائیه درج گردیده است. توجه نموده و با عمل ننماید.</div></div>		
<b>م: ۱۸۳۲ –</b>		
<b>اجرائیه</b>		
<div><div><span></span></div><div>مشخصات محکوم له: علی اله کتعمالی /فرزند: بیرامعلی نشانی /شهریار – اندیشه فاز یک ارغوان ششم پلاک ۲۲/۴ واحد ۷ مشخصات محکوم علیه: مریم رضایی مجهول المکان محکوم به: بموجب دادنامه شماره ۲۰۶ – ۹۸ مورخ ۹۸/۳/۲۵ شورای حل اختلاف نهم ۵ سابق. محکوم علیه محکوم است به انتقال سند رسمی خودروی سواری برانید به شماره ثبتی ۳۳۳ ب ۴۴ ایران ۷۷ و مبلغ دو میلیون و پنجاه هزار ریال بابت هزینه دادرسی در حق محکوم له و نیم عشر دولتی.</div><div></div><div>محکوم علیه مکلف است از تاریخ ابلاغ اجرائیه: ۱ – پس از ابلاغ اجرائیه ظرف ده روز مفاد آنرا بموقع اجرا بگذارد. ۲ – ترتیبی برای پرداخت محکوم به بدهد. ۳ – مالی معرفی کند که اجرا حکم و استیفا محکوم به از آن میسر باشد و در صورتیکه خود را قادر به اجرای مفاد اجرائیه نداند باید ظرف مهلت ده روز صورت جمع دارائی خود را به قسمت اجرا تسلیم کند. اگر مالی ندارد صریحاً اعلام نماید هرگاه ظرف سه سال بعد از انقضاء مهلت مذکور معلوم شود که قادر به اجرای حکم و پرداخت محکوم به بوده اید. لیکن برای برای قرار در پرداخت اموال خود را معرفی نکند یا صورت خلاف واقع از دارائی خود بدهد بنحوی که اجرای تمام یا قسمتی از مفاد اجرائیه متعسر باشد به مجازات حبس از ۶۱ روز تا ۶۱ ماه محکوم خواهید شد. ۴ – علاوه برموارد بالا که قسمتی از ماده ۲۴ قانون اجرای احکام مدنی میبایند به مواردی از قانون اجرای احکام و قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۷۹/۱/۲۱ و همچنین مفاد قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۰ آبان ۱۳۷۷ که ظهر برگ اجرائیه درج گردیده است. توجه نموده و با عمل ننماید.</div></div>		
<b>م: ۱۸۳۱ –</b>		
<b>رای قاضی شورا</b>		
<div><div><span></span></div><div>خواهان: سعید شمسى /فرزند: صفی اله ____ خواننده: علیرضا محرابی /فرزند: حسن، آقای احمد حسینی /فرزند: حمید، خاتم مینا شیخ زین الدین /فرزند: عبدالرزاق ____ خواهنده الزام خواننده به انتقال سند رسمی سواری پژو ۲۰۶ – به شماره پلاک ۵۵۲ و ۲۲ ایران ۶۲ – گردشکار: پس از وصول پرونده و با توجه به محتویات پرونده و جری تشریفات قانونی، قاضی شورا بررسی را کافی دانسته و ضمن درخصوص دعوی آقای سعید شمسى بطریقیت خاتم مینا شیخ زین الدین – به خواسته صدور حکم به الزام خواننده به حضور در دفترخانه و انتقال سند رسمی – به یک دستگاه خودروی سواری پژو ۲۰۶ – به شماره ثبتی ۵۵۲ و ۲۲ ایران ۶۲ و هفت میلیون ریال انضمام خسارات وارده با توجه به عرضالح تسلیمی و مستندات پرونده و ملاحظه نظریه مشورتی اعضای شورای حل اختلاف و اقدابات بعمل آمده از سوی آن شورا، نظر بر به دالات تصویر مصدق انتقال سند مالکیت پلیس راهور معامله خودروی مذکور ای مابین اصحاب دعوی محرز و مسلم می باشد و بانوجه به اینکه خواننده با وصف ابلاغ واقعی /قانونی در جلسه حاضری حاضر نگردیده و لایحه ای ارسال نداشته و اصولاً مستندات خواهان از هرگونه ایراد و تعرض معین مانده و نوبها به اینکه حسب پاسخ استعلام بعمل آمده و مضبوط در پرونده مالکیت خواننده نسبت به خودروی متنازع فییه محرز و مسلم می باشد و با عنایت به اینکه در عرف معاملات تنظیم امری متصرف بوده و به موجب مقررات قانونی نیز محسوب می گردد و خوانده نیز دلیلی که حکایت از انجام تعهد باشد به شورا ارائه و قائمه نموده است لهذا قاضی شورا دعوی خواهان را وارد دانسته و با اختیار حاصله از ماده ۱۱ قانون شوراهاى حل اختلاف و به استناد مواد ۱۰ و ۲۱۹ و ۲۲۰ و ۲۲۳ قانون مدنى و با رعایت مواد ۱۹۸ و ۵۱۹ قانون آیین دادرسی مدنى به الزام خوانده به انتقال سند رسمی خودروی ماراژدرک و مبلغ دو میلیون و شصت هزارریال بابت هزینه دادرسی در حق خواهان صادر و اعلام می دارد رای صادره غیابی و ظرف ۲۰ روز قابل واخواهی در همین حوزه و سپس و ظرف ۲۰ روز قابل تجدید نظرخواهی در محاکم محترم عمومی حقوقی دادگستری شهرستان شهریار می باشد. در خصوص خوانندگان ردیف اول و دوم که دعوی خواهان متوجه خوانندگان نمی باشد به استناد و بند ۴ ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی قرار در دعوی خواهان صادر و اعلام می گردد.</div></div>		

قاضی شورای حل اختلاف شهریار

## حوادث

## ۱۳

در امتداد تاریکی

## طلاق برای «سگ»

هنوز هم باورم نمی‌شود زندگی من به خاطر یک «سگ» از هم پاشید و همه آن نجوهای عاشقانه که روزی روحم را جلا می‌داد، به ر کبک‌ترین توهین ها و زشت‌ترین رفتارهایی تبدیل شد که روز گاری بین من و «رومینا» رد و بدل می‌شد به طوری که…

جوان ۲۸ ساله در حالی که دادخواست شکایت از همسرش مبنی بر توهین و فحاشی و تخریب لوازم زندگی را در دست داشت، با چهره‌ای شکسته و غمگین پا به اتاق مشاوره و مددکاری اجتماعی کلانتری شغای مشهد گذاشت و با بیان این‌که فکر نمی‌کردم به این زودی رویاهای عاشقانه‌ام را کا بوس طلاق در آغوش بگیرم به کارشناس اجتماعی کلانتری گفت: در یک خانواده پر جمعیت متولد شدم، پدرم کارگر ساده‌ای بود که صبح تا شب با قوت بازویش تلاش می‌کرد تا زندگی آرام‌توام با آسایشی را برای من و دیگر خواهران و برادرانم فراهم کند. آن روزها در حاشیه شهر سکونت داشتیم و من با آرزوی این‌که روزی با ادامه تحصیل شغل مناسبی پیدا کنم تا شاهد پینه‌های زخمی دستان پدرم نیاشم، شاگرد دمنماز مدرسه شدم. خوب به خاطر دارم وقتی پدرم شب هنگام به منزل بازمی‌گشت و چهره غبار گرفته‌اش را با دستان تاول زده می‌شست تا ما را به مسجده کوچک محله‌مان ببرد، فقط در گوشه‌ای پنهان می‌شدم تا لیخندهایش را نگاه کنم که فریادمی زد: زود پاشید سینه‌زنی شروع شد!

پدرم همواره ما را به مجالس مذهبی و هیئت‌ها می‌بردو گاهی نیز به همدم مادرمن در مجالس مذهبی شرکت می‌کرد. روزهای محرم و صفر راهیچ‌گاه از یاد نمی‌برم که در کنار پدرم و مراسم عزاداری امام حسین(ع) لباس مشکی می‌پوشیدم و زنجیر می‌زدم با این حال پدر و مادرم فقط تأکید می‌کردند که درس‌هایم را خوب بخوانم.

خلاصه در یکی از رشته‌های مهم مهندسی دانشگاه دولتی پذیرفته شدم و برای ادامه تحصیل پا به شهری دیگر گذاشتم تا این‌که در سال آخر دانشگاه با «رومینا» آشنا شدم.

او در یکی از رشته‌های علوم تجربی تحصیل می‌کرد و این آشنایی که از یک بحث ساده دانشجویی به خاطر نمره یک در س مشترک آغاز شد، در مدت کوتاهی به ازدواج انجامید اگرچه در مراسم خواستگاری تفاوت‌های فاحش مذهبی و فرهنگی را بین دو خانواده دیدم اما گویی کور و کر شده بودم. من هیچ‌کسی جز رومینا را نمی‌دیدم. او فراتر از نیمه‌گمشده‌ای بود که هر جوانی برای رسیدن به آن تلاش می‌کند.

رومینا را آن قدر دوست داشتم که وقتی لیخنه می‌زد گویی روح از بدنم جدا می‌شد. بالاخره با همه مخالفت‌های خانواده‌ام و با نادیده گرفتن این تفاوت‌ها پای سفره عقد نشستیم ولی رویاهای عاشقانه‌ام خیلی زود به خاکستر یأس تبدیل شد، چرا که همسرم توقع هدا یایی را از من داشت که من با درآمد توانایی تهیه آن‌ها را در آغاز زندگی نداشتم. او نه تنها اصرار داشت مراسم عروسی‌مان به صورت مختلط و در یک باغ‌تالار بزرگ برگزار شود بلکه مرا مجبور کرد منزلی را در بالای شهر اجاره کنم و زندگی مشترک ما در حالی با مشکلات حاد ی روبه‌رو شد که همسرم به اصول مذهبی بی تفاوت بودو در برابر دیگران محرم و نامحرم را به هیچ وجه رعایت نمی‌کردو حجابش را نیز کنار می‌گذاشت. او حتی نماز خواندن و روزه گرفتن مرا نیز در جمع بستگانش به تمسخر می‌گرفت و موجب رنجش خاطر من می‌شد ولی اختلافات ما از آن جایی دیگر قابل تحمل نشد که روزی پدر رومینا یک سگ خانگی را در جشن تولدش به او هدیه‌داد. از آن روز به بعد روزگار ما سیاه‌شد، آن حیوان روی قرشی که من نماز می‌خواندم ادرار می‌کرد، بالاخره از نظر من حیوان نجسی بود و با دیدن این صحنه‌ها حالم بد می‌شد اما رومینا آن حیوان را به آغوش می‌کشید به طوری که انگار فرزندش را در آغوش گرفته‌است. آن حیوان همه زندگی همسرم شده بود به گونه‌ای که از عهده مخارج نگهداری او بر نمی‌آمد. این ماجرا به جایی رسید که مشاخره‌هاو درگیری‌ما به شدت افزایش یافت به همین دلیل رومینا با حالت قهر منزل را ترک کرد و آن حیوان را به من ترجیح داد! بعد هم مهریه‌اش را به اجرا گذاشت تا طلاق بگیرد. پس از آن در حالی که من مهریه‌اش را با دستور اقساطی دادگاه پرداخت می‌کردم با وساطت بزرگ ترها دوباره به زندگی مشترک بازگشت اما هدف او این بود که با توهین و تخریب لوازم زندگی طوری مرا عصبانی کند که او را تنگ بزنم و او بتواند از این طریق طلاق بگیرد و… شایان ذکر است به دستور سرهنگ ناصر نوروزی (رئیس کلانتری شفا) پرونده این جوان در دایره مددکاری کلانتری مورد بررسی های کارشناسی و قضایی قرار گرفت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی